

امنیت مردم پایه (مطالعه موردی حشد الشعبی عراق)

تورج افشون^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۲، پیاپی ۷۸، تابستان ۱۳۹۸؛ صفحات ۴۶-۵۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

چکیده

از آنجایی که امروزه محور مقاومت تبدیل به یک اتحاد تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران و با محوریت «امنیت جمعی» و «بازدارندگی چتری» شده است، حشد شعبی نیز به مثابه ضلعی اساسی و نیرویی امنیت‌آفرین شکل گرفته که در واقع محورهای عمده فعالیت آن، حضور عناصر دین و داوطلبان مردمی در ساختار آن است. می‌توان ادعا کرد که حشد شعبی نیز با الگوگیری از بسیج، در واقع خلأ ناشی از «ناکارآمدی ساختار چینش شده اشغالگران در دوره پسا صدام» را پر کرده و تبدیل به نیرویی کارآمد در عرصه امنیتی برای جامعه و حکومت عراق گردیده است؛ به عبارت بهتر، حشد شعبی که یک نیروی نظامی - عقیدتی با پایگاه‌های مردمی است، علاوه بر آنکه، تقریباً از همه اقوام و اقشار عراق در آن حضور دارند، توان بالای خود را در نبرد با جریان‌های سلفی - تکفیری به نمایش گذاشته و توانسته است با تسلط بر مرز مشترک عراق با سوریه با هدف باز نگه داشتن محور ارتباطی تهران، بغداد، دمشق و بیروت طرح خطرناک امریکا برای ایجاد شکاف در محور مقاومت را خنثی سازد.

پژوهش حاضر در پی تبیین این است که تکیه بر مردم در عرصه‌های امنیتی، همواره کارسازتر از وابستگی به بیگانه بوده و از همین رو، حشد شعبی به مثابه یکی از مهم‌ترین اضلاع محور مقاومت، نگاه‌ها را به سمت «سیاست‌گذاری امنیتی مردم پایه» سوق داده است.

واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری امنیت مردم پایه، حشد شعبی عراق، مرجعیت، محور مقاومت، داعش و حامیان آن

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و کارشناس عراق در موسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور
Email: t.afshon55@gmail.com



مقدمه

شکل‌گیری نیروی‌های مردمی متشکل از قشرها و گروه‌های مختلف مردم، نمایانگرگونه‌ای خاص از مشارکت مردمی، به صورت فراگیر و عمومی در «ایجاد امنیت» و انسجام ملی کشور است؛ به عبارت دیگر بسیج این نیروها، اندیشه امنیت ملی را از سازمان‌های رسمی و خاص حاکم، به بدنه جامعه و «نیروهای رها از حاکمیت» منتقل می‌کند؛ به گونه‌ای که از منظر پایگاه مردمی می‌توان به مقوله امنیت، نگرشی نوین داشت. بنابراین شکل‌گیری و توسعه نیروهای مردمی یا حشد شعبی در عراق را بایستی یکی از تأثیرگذارترین موضوعات در صحنه نظامی-امنیتی علیه داعش در چند سال اخیر محسوب کرد.

اگر به پیشینه شکل‌گیری این مقوله در عراق اشاره کنیم باید اذعان کرد که حمله داعش به عراق در واپسین ساعات شب در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۴ (شب ۲۰ خرداد ۱۳۹۳) اتفاق افتاد. حدود ۱۳۰۰ نیروی تروریستی و مسلح کنترل مقرر دولتی استان نینوا را در دست گرفتند. در ادامه پیشروی‌های داعش در مناطق عراق در تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۱۴ شهر تکریت مرکز اداری استان صلاح‌الدین به اشغال نیروهای تروریستی داعش درآمد؛ به گونه‌ای که سقوط این مناطق توسط داعش همه مسئولان و مردم عراق را غافلگیر کرد.

بر این اساس، پس از تشکیل هسته‌های اولیه با رهنمودهای مرجعیت دینی، فرماندهان حشد شعبی در ماه مارس ۲۰۱۵ میلادی (فروردین ۱۳۹۵) در بغداد، اهداف پنج‌گانه این ساختار نوین را به شرح ذیل اعلام کردند:

۱. نبرد با داعش و بیرون راندن آن از خاک عراق
۲. حفاظت از کشور
۳. حفاظت از اماکن مقدس
۴. آزادی مردم عراق از یوغ تروریسم
۵. کمک به عراقی‌هایی که توان جهاد ندارند.

در واقع پیاده‌سازی «الگوی امنیتی مردم پایه» در عراق، حاکی از شکل‌گیری «قدرت دفاعی نوپایی» است که می‌تواند به سایر اضلاع محور مقاومت تسری یابد. همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، علیرغم تکرر زیاد نیروهای وابسته به حشد شعبی، آنها داخل یک چارچوب واحد براساس فتوای مرجعیت گرد آمده‌اند و همین تبعیت و تقید دینی- مذهبی نقطه قوت اصلی این تشکل است. بر این اساس، حشد شعبی در کشور عراق اکنون یک ضلع از اضلاع محور مقاومت است و تحلیل‌گران معتقدند این کشور با حضور و فعالیت حشد شعبی در آن، همچنان در محور مقاومت حضوری قوی خواهد داشت.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

حشد شعبی که اکنون وارد پنجمین سال حضور خود در عرصه‌های گوناگون عراق شده، به یک نیروی نظامی، امنیتی، سازندگی و اطلاعاتی کارآمد و خستگی‌ناپذیر برای نظام سیاسی مستقر نوین این کشور تبدیل شده است. در واقع باید اذعان کرد که پتانسیل عظیم مردمی کارسازترین ابزار برای مقابله با پدیده شوم ناامنی بود؛ تا جایی که هم اکنون نیز، نیروی حشد شعبی را می‌توان به عنوان نوظهورترین نیروی نظامی، مردمی و عقیدتی در عراق دانست که در حال ایفای کارکردهای مهم و نقشی کانونی در تحولات نظامی و امنیتی این کشور به خصوص در جنگ با داعش است. این نیرو که شامل بخش‌های مختلفی است در سال ۲۰۱۴ و بعد از سقوط شهرهای مهمی مانند موصل و تکریت به دست داعش با فتوای مرجعیت و استقبال مردم و همچنین حمایت‌های دولت و نیروهای سیاسی تشکیل شد و جمهوری اسلامی ایران نیز به درخواست دولت عراق، نقشی جدی در پیگیری، شکل‌گیری و تکوین قدرت آن داشته است. به هر حال تشکیل حشد شعبی فرصتی بی‌بدیل و بی‌نظیر برای جامعه و حکومت عراق به عنوان تکیه‌گاه محور مقاومت قرار داده است تا از این استعداد بالقوه انسانی در راستای عمق‌بخشی به



محور مقاومت و «گفتمان انقلاب اسلامی» بهره‌برداری شود.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که «نقش و جایگاه حشد

شعبی در چارچوب سیاست‌گذاری امنیتی در عراق چگونه است؟»

بر این اساس، فرضیه اصلی این پژوهش در واقع با توجه به سؤال مطرح شده بر این مبنا قرار گرفته که تشکیل نیرویی با عنوان حشد شعبی در تأمین امنیت عراق بسیار تأثیرگذار بوده؛ تا جایی که توانسته است، ضمن پر کردن خلأ ناشی از ناکارآمدی ساختارهای نظامی-امنیتی چینش شده توسط اشغالگران، تهدیدهای اصلی را از جامعه و حکومت عراق دور نماید. به علاوه، باور به قدرت امنیت آفرین مردم را در سیاست‌گذاران عراقی و توجه آنها را به مقوله سیاست‌گذاری امنیتی مردم پایه افزایش داده است و یکی از فاکتورهای قدرت محور مقاومت در منطقه به شمار می‌رود.

هدف از پژوهش حاضر در واقع علاوه بر شناخت ساختارهای فکری و عملیاتی حشد شعبی در قالب سیاست‌گذاری امنیتی مردم پایه، میزان تأثیرگذاری آن در تحولات جاری و آتی عراق در راستای ایجاد امنیت و در چارچوب اصول حاکم بر محور مقاومت از بعد سلطه ستیزی است. موضوع پژوهش از این رو حایز اهمیت است که حشد شعبی به عنوان یکی از بازوهای محور مقاومت در عراق، تجربه‌ای ذی‌قیمت را در عرصه امنیت‌آفرینی ایجاد کرده و شناخت نقاط قوت و ضعف آن برای سیاست‌گذاری در آینده عراق و حتی منطقه، بسیار مهم است. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های دیگر در این زمینه باشد. بررسی موضوع از جنبه‌های دیگر نیز دارای اهمیت است و می‌توان از تجارب بدست آمده در عراق توسط نیروهای مردمی، در راستای امنیت سازی در سایر مناطق بهره‌برداری کرد.

روش تحقیق نیز کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است که بر این مبنا، جمع‌آوری داده‌ها، مبتنی بر جمع‌آوری از اسناد، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی

می‌باشد. در پایان نیز بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری ارایه خواهد شد.

۲. الگو و چارچوب مفهومی

سیاست‌گذاری امنیتی یا به عبارت بهتر، طراحی سازوکار امنیتی به معنای «ایجاد یک فضا برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب از منظر سیاست‌گذار» است و قید مردم‌پایه به طور کلی آن را از سیاست‌گذاری رسمی و حکومتی جدا نمی‌سازد، اما نقش نیروهای مردمی و «رها از حاکمیت» را در آن برجسته‌تر می‌نماید. از این رو، ابتدا ضروری است مفاهیم امنیت، امنیت ملی و مدل مطلوب این پژوهش توضیح داده شوند.

«امنیت»، یک مفهوم آشنا و قابل شناخت برای تمام جوامع بشری از جوامع اولیه همچون قبایل کوچک گرفته تا امپراطوری‌های بزرگ جهان باستان و دولت-شهرهای یونان بوده است و به همین ترتیب، امروزه نیز تلاش برای رسیدن به وضعیت امن^۱، اولویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف را تشکیل داده و راه‌های تأمین آن از جایگاهی ویژه در سیاست‌گذاری‌های امنیتی دولت‌ها در قالب «امنیت ملی» برخوردار است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۷).

در این میان، امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود در آن به سر می‌برد (همان: ۵۷). «باری بوزان»، از محققان برجسته مطالعات امنیتی، امنیت اجتماعات بشری را که غالباً در شکل «امنیت بین‌المللی» تعریف می‌شود، به پنج مقوله تقسیم کرده است: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. به طور کلی، «امنیت نظامی»، به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط می‌شود؛ «امنیت سیاسی» بر ثبات سازماندهی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی ناظر است که به آنها مشروعیت می‌بخشد؛ «امنیت اقتصادی»، یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای



لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت؛ «امنیت اجتماعی»، قابلیت لازم برای حفظ الگوهای سستی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی را شامل می‌شود و «امنیت زیست‌محیطی» نیز ناظر بر حفظ محیط زیست بشری به‌عنوان سیستم پشتیبانی ضروری می‌باشد که تمامی حیات بشری متکی به آن است (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

دولتی قدرتمند است که در محدوده مرزهای خود انسجام داشته باشد و بدنه اجتماعی جامعه را در مقابله با تهدیدات به کار گیرد. این گزاره، دولت را به ایفای نقش فعال در سیاست‌گذاری امنیتی ترغیب می‌کند. به هر حال، رویکردهای مختلفی نسبت به امر سیاست‌گذاری امنیتی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به دو رویکرد اشاره کرد:

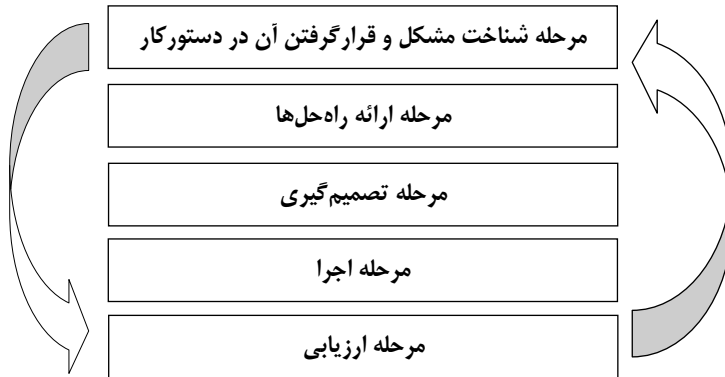
۱. رهیافت هدف‌محور (مدل استراتژیک)

۲. معضل‌محور (مدل مرحله‌ای).

رهیافت هدف‌محور در قالب سیاست‌گذاری‌های امنیتی بلندمدت و رهیافت معضل‌محور در چارچوب سیاست‌گذاری‌های امنیتی میان‌مدت و کوتاه‌مدت جای می‌گیرد. در اینجا، به سبب رویکردهای مطرح در شکل‌گیری حشد شعبی در چارچوب رهیافت معضل‌محور، این مقوله تبیین می‌شود.

رهیافت معضل‌محور (مدل مرحله‌ای) با قراردادن اعمال تصمیم‌گیران و مسئولان حکومتی در مرکز توجهات خود، نگاه متفاوتی به مسائل عمومی از جمله معضلات امنیتی دارد. مدل مزبور، برای نخستین‌بار توسط چارلز جونز، استاد آمریکایی علوم سیاسی ارائه شد و بعدها از سوی کارشناسان سیاست‌گذاری عمومی گسترش پیدا کرد.

در مدل جونز، عملکرد دولت و تصمیم‌گیران در بخش‌های اصلی حکومت به پنج مرحله وابسته به شرح زیر تقسیم می‌شود:



دو تن از کارشناسان برجسته سیاست‌گذاری عمومی، به نام‌های ایومفی و جان کلودتوینگ، بر اساس کتاب جونز، مدل او را به صورت زیر تشریح کرده‌اند (بلوچی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۷۶-۹).

الف) نقطه عزیمت این مدل برای سیاست‌گذاری امنیتی، تشخیص معضل امنیتی و چگونگی راه‌یابی آن به دستگاه سیاست‌گذاری کشور است. در حقیقت، مراحل بعدی این رهیافت به‌نوعی در رهیافت قبلی نیز مورد اشاره قرار گرفته و آنچه به‌طور ریشه‌ای این رهیافت را از مدل استراتژیک متمایز می‌کند، تأکید بر مسائل و معضلات به جای تأکید بر ارزش‌ها و اهداف است؛ بنابراین، باید به جوانب گوناگون معضلات و مشکلات پرداخته شود.

ب) مسائل، معضلات، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای امنیتی همگی در طیفی قرار می‌گیرند که باید از سوی سیاست‌گذاران امنیتی مورد توجه قرار گیرند؛ هراندازه از یک طرف طیف (مسائل امنیتی) به سمت دیگر طیف (تهدیدهای امنیتی) حرکت می‌کنیم؛ اتخاذ سیاست‌های امنیتی، از نظر اهمیت، از فوریت بیشتری برخوردار می‌شوند. به عبارت بهتر، اگر سیاست‌گذاران امنیتی در حل مسائل و معضلات امنیتی وقت بیشتری دارند، اما در مواجهه با تهدیدهای امنیتی فرصت کمتری دارند و برای حل و فصل یا رفع آنها باید جدیت بیشتری از خود نشان دهند. البته ابزارها



و شیوه‌های به‌کارگیری در حل آنها نیز متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که به هر میزان به پایان طیف (تهدیدهای امنیتی) نزدیک می‌شویم، استفاده از راه‌حل‌ها و ابزارهای نظامی نیز بیشتر می‌شود. افزون بر آن، جنبه پیشگیرانه سیاست‌ها در آغاز طیف نسبت به جنبه درمان در پایان طیف نمایان‌تر است.

ج) مسئله مهم دیگر در تشخیص نقطه آغاز این نوع سیاست‌گذاری امنیتی، عرصه شناختی است که سیاست‌گذاران امنیتی با آن سروکار دارند؛ زیرا از خلال این عرصه است که آنان، محیط پیرامون خویش را که متغیر، پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی است، درک می‌کنند و بر اساس آن تصمیم می‌گیرند. افزون بر این، از آنجا که عرصه شناخت و جنبه‌های معرفتی سیاست‌گذاری امنیتی بسیار پُر رمز و راز است؛ سیاست‌گذاران امنیتی باید به ساده‌سازی و کاربردی کردن مفاهیم در این عرصه بپردازند، هر چند ممکن است این اقدام نیز خطرهایی را به دنبال داشته باشد.

تعمیم تفسیرها و برداشت‌های شخصی، به آنچه منبع تهدید تصور می‌شود، از جمله خطرهایی است که سیاست‌گذاری امنیتی را با مشکل روبرو می‌کند و ممکن است به اتخاذ سیاست‌های امنیتی ناکارآمد منجر شود؛ بنابراین، سیاست‌گذاران امنیتی باید در این زمینه دقت و وسواس بیشتری داشته باشند. برآورد صحیح اطلاعات استراتژیک از مسائل و تهدیدهای امنیتی از جمله ابزارهای مهمی است که سیاست‌گذاران امنیتی برای بهبود شناخت خود از آن بهره می‌گیرند. استفاده از این ابزار زمانی امکان‌پذیر است که آنها با قراردادن صافی‌هایی، برخی از این اطلاعات را جذب و برخی دیگر را طرد می‌کنند، به نحوی که احتمال خطا و اشتباه در پایین‌ترین حد خود قرار گیرد (تلاشان، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

د) هر چند دولت‌های مدرن مورد اشاره بوزان، به دلیل آن که اختیار و کنترل دستگاه‌های اطلاعاتی و نیروهای مسلح را در اختیار دارند، عالی‌ترین مرجع تشخیص و تعیین تهدیدها و سیاست‌های امنیتی هستند، اما نباید فراموش کرد که



به دلیل تحول در مرجع امنیت، دست کم در تشخیص و تعیین مسائل و معضلات امنیتی و راه یابی آنها به دستگاه سیاست گذاری امنیتی کشورها، مردم و گروه های اجتماعی و مراجع علمی- دینی نیز بسیار تعیین کننده هستند. سیاست گذاری امنیتی به این شیوه به ویژه در «دولت های شکننده»^۱ که قادر نیست در محدوده مرزهای خود امنیت را برقرار کند، نمایان تر است. از این رو، چارچوب پژوهش حاضر بر اساس رهیافت معضل محور (مدل مرحله ای) قابل تبیین است.

بنابراین، چگونگی فرآیند ارائه راه حل ها و انتخاب بهترین، کم هزینه ترین و پرفایده ترین آنها به چگونگی ساختار اجتماعی جامعه (از جهت تنوعات هویتی- قومی، نقش رهبران و نخبگان سیاسی، دینی و...)، تمرکز یا عدم تمرکز قدرت در نظام سیاسی و شکاف یا عدم شکاف بین دولت و ملت و شکاف یا عدم شکاف درون خود جامعه یا حکومت بستگی دارد. همچنین واقع نگری و مشاهده ثمره و نتایج اتخاذ این سیاست از مهم ترین محاسن آن است؛ به گونه ای که «سیاست گذاری امنیتی مردم پایه» را می توان ذیل سیاست گذاری امنیتی مدل معضل محور (مرحله ای) جای داد و شکل گیری حشد شعبی بر اساس تهدید فوری داعش در عراق را نیز می توان (با اندکی اغماض) در این چارچوب مورد توجه و بررسی قرار داد.

با وجود این، تأسیس و توسعه سازمان های امنیتی مردم نهاد، که در راستای مشارکت بدنه اجتماعی جامعه در ایجاد امنیت در سطوح محلی، ملی و بین المللی است، بر عرصه های دیگر زندگی سیاسی جوامع انسانی تأثیر می گذارد. از این رو، یکی از این حوزه های تأثیرپذیری، «منافع و امنیت ملی» است. برای سیاست گذاری در این حوزه، ابتدا شناخت عوامل متفاوت و از جمله عوامل سیاسی و امنیتی ضروری است. آنچه مسلم است آنکه در سیاست گذاری های امنیتی از نوع مردم پایه می توان از عوامل و فاکتورهای قدرت ملی به بهترین وجه



بهره‌برداری کرد، تا هم اولویت‌ها رعایت شود و هم بازدارندگی تحقق پذیرد. البته مهم‌ترین شاخصه این نوع از سیاست‌گذاری، «پاسخ سریع به تهدیدات و قاطعیت در دفاع» است که در امتداد آن می‌توان آرمان‌ها، اهداف و منافع ملی را نیز به بهترین وجه پیگیری کرد. سیاست‌گذاری امنیتی مردم‌پایه بر این اصل اساسی استوار است که برای مقابله با تهدیدات باید از همه امکانات، قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها استفاده کرده و قدرت حکومت را در مقابله با تهدیدات چند برابر کرد. با این اوصاف، امنیت از اموری اساسی است که در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان به گونه‌ای قابل توجه، موردنیاز است و آموزه‌های دینی - بدان جهت که پاسخگوی نیازهای واقعی انسان‌هاست - بدین مهم نیز توجه شایسته‌ای نموده است. مفهوم امنیت در منابع کلاسیک سیاسی، دینی و اسلامی، دارای گستره وسیعی بوده و عرصه‌های فردی و اجتماعی و زمینه‌های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را دربرمی‌گیرد و با شاخص‌های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه قابل تعریف و دسترسی است. از سوی دیگر، روایات معصومان (علیهم‌السلام) همانند قرآن بیانگر این نکته مهم است که هرگونه امنیتی، در ایمان و باورهای معنوی و الهی ریشه دارد و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالاخره ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفاتی مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی‌گردد.

مفهوم امنیت مردم پایه به بالندگی نسبی برای ایجاد امنیت پایدار نزدیک شده است و در راستای استمرار آن، افزایش انسجام بین دولت، مردم و حاکمیت ضرورتی انکارناپذیر است. آزمون نهایی مطلوبیت و کاربردپذیری این مفهوم در این نهفته است که سیاست‌گذاران تا چه اندازه‌ای می‌توانند به هم پیوستگی‌هایی را بین حکومت و مردم برای استمرار و توسعه کمی و کیفی حرکت به سمت امنیت مردم پایه ایجاد کنند. تلاش برای حرکت به سمت امنیت مردم پایه می‌تواند قدرت بازدارندگی کشور را افزایش دهد و زمینه برای مقابله با تهدیدات خارجی را افزایش می‌دهد.

ویژگی‌های «امنیت مردم پایه»

اول: جامع بودن: از آنجایی که مردم تشکیل‌دهنده صنف‌ها و طیف‌ها و نگرش‌های مختلف هستند، می‌توان آن را جامع برشمرد. به نظر می‌رسد تبیین مطلوب «امنیت مردم پایه» مستلزم نگاهی جامع است به گونه‌ای که بتوان این مفهوم را در سطوح، ابعاد، اهداف مرجع، ساختار، فرایندها، پدیده‌های امنیتی و مجموعه مؤلفه‌های مؤثر در امنیت ملی قابل فهم نمود.

دوم: تجزیه‌ناپذیری: «امنیت مردم پایه» یک امنیتی است که نمی‌شود در مقوله‌ای برای طیف قومی- مذهبی خاصی جاری کرد و در جاهای دیگر از آن چشم‌پوشی نمود؛ به عبارت بهتر، نباید متعلق به یک قشر و طایفه خاص باشد. می‌توان در اینجا لبنان را مثال زد؛ در لبنان گروهی به نام حزب‌الله شکل گرفته که امنیت کشور را تأمین کرده و به خاطر آن، ملت لبنان نیز امنیت پیدا کرده‌اند و طوایف مختلف در امنیت زندگی می‌کنند.

در حوزه امنیت مردم پایه، آنچه مورد توجه است هویت ملی است. در این چارچوب هویت‌های گروهی و هویت مردمی نیز مطرح است، اما هویت ملی فراتر از آنها قرار داشته و از سوی دیگر این هویت‌ها در چارچوب هویت ملی قابل تبیین هستند.

سوم: ذاتی بودن: «امنیت مردم پایه» یک امنیت عاریتی انضمامی نیست که شاخه آن در یک کشور و ریشه آن در کشوری دیگر باشد بلکه از متن و دل خود آن کشور است و چون این‌گونه است می‌تواند در برابر تهدیدات بایستد. بنابراین این مقوله را می‌توان در چارچوب الگوهای امنیتی درون‌زا تعریف و تبیین کرد.

چهارم: عدالت‌محور بودن: «امنیت مردم پایه» امنیتی است که می‌تواند در نهایت در دل خودش یک گوهر انسانی به نام عدالت را پرورش دهد و فقط در حوزه امنیت نیست بلکه در حوزه‌های دیگر نیز گسترش پیدا می‌کند.

پنجم: حفظ کرامت انسانی: «امنیت مردم پایه» بر اساس شخصیت انسان با



کرامت شکل می‌گیرد بنابراین می‌تواند استعدادهای نهفته را پرورش دهد و می‌تواند نورش را در منطقه‌ای گسترده برافروزد و این همان کاری است که گروه‌های مختلف امنیت ساز مردمی امروز در منطقه انجام می‌دهند.

(<https://www.mashreghnews.ir/news/۶۵۸۳۰۷>)

امنیت مردم پایه، با شاخصه‌های دین محوری و مردم‌محوری، در واقع مفهوم جدیدی است که در عرصه عملی و تئوریک، با شکل‌گیری «بسیج مردمی» در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شکل گرفت و در واقع دو محور عمده فعالیت آن، حضور دو عنصر دین و مردم در ساختار آن (به اصطلاح ساختار عقیدتی - مردمی) است. حشد شعبی در عراق نیز از این قاعده، مستثنی نیست و در واقع الگوی امنیتی مردم پایه موجود در بسیج، به اذعان برخی شخصیت‌ها و دولتمردان عراقی تأثیر به‌سزایی در تکوین و تطور آن داشته است.

تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران در کلیه تحولات محور مقاومت نقش محوری دارد. در عراق در تعریف، تشکیل، تقویت و استمرار حشد شعبی و در سوریه نیز در تعریف، ایجاد و استمرار دفاع وطنی نقش محوری خود را نشان داده است. همچنین گروه‌های داوطلبان را از کشورهای مختلف برای جنگ با تروریست‌های تکفیری سازمان داده است. به عبارت دیگر ایران نخ تسبیح کلیه تحولات منطقه است و نقشی بی‌بدیل در این زمینه دارد. بر همین اساس است که هنری کسینجر، تئورسین پر سابقه آمریکا با بیان اینکه حذف داعش و جریان‌های تروریستی در سوریه و عراق، موجب گسترش و تعمیق جایگاه و نفوذ ایران در سطح منطقه خواهد شد، تلویحاً از دولت دونالد ترامپ می‌خواهد برای حفظ جریان‌های تکفیری در عراق و سوریه برنامه‌ریزی کند (<http://qodsna.com/fa/۳۰۲۷۴۸>).

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. ساختار حشد شعبی



براساس قانون مصوب پارلمان عراق در پاییز ۱۳۹۵ هـ.ش، حشد شعبی تشکلی است که تحت نظارت نخست‌وزیر عراق، به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح قرار دارد که در حال حاضر، هماهنگی‌های آن را فالح فیاض،^۱ از مسئولان امنیتی عراق و فرماندهان میدانی ساختار را «ابومهدی مهندس» برعهده دارند.

در حال حاضر حدود ۴۰ گروه و جریان کوچک و بزرگ در حشد شعبی حضور فعال و جدی دارند و در حال مبارزه با تروریسم سلفی - تکفیری در عراق هستند. عمدتاً ساختار و بدنه نظامی حشد شعبی را شیعیان عراق تشکیل می‌دهند، اما بعدها برخی عشایر سنی عراق از استان صلاح‌الدین، نینوی و الانبار و نیز کردهای فیلی و مسیحیان عراقی نیز به آن ملحق شدند. (الوقت، ۵ آذر ۱۳۹۴)

علاوه بر گروه‌های شیعه عرب، معروف‌ترین قبایل سنی همراه «حشد شعبی» عبارت‌اند از ۹ قبیله الجبوری، حمدانی، لهیب، کویش، عیساوی، حبش، العبیدی، الشمر، الخزرج از تکریت، العزی از دیالی و ۱۰ قبیله الجوریفه، البونمر، البومهد، البوشهیب، ابوریشه، ابوذیاب، البوفرال، البوعیثه، البوعساف و البوفهد. در کنار عشیره‌های کوچک دیگر گروه‌های مسلح سنی هستند که «حشد شعبی» را در نبرد با داعش یاری داده‌اند.

معین الکاظمی، یکی از فرماندهان سابق بدر روز ۱۸ می ۲۰۱۵ و بعد از مطالبه «حیدر العبادی» برای مداخله «حشد شعبی» در الانبار گفته بود که این ساختار قادر به جمع‌آوری ۱۰۰ هزار نیرو برای شرکت در عملیات پاکسازی این استان است. اما برخی گزارش‌های دیگر استعداد هسته اصلی این ساختار که شامل نیروهای باتجربه است را ۲۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند، که اسامی مهم‌ترین آنها به شرح مندرج در جدول ذیل است:



جدول شماره ۱: فهرست برخی گروه‌های عضو در حشد شعبی به غیر از ۴ گروه مرجع

۱. سپاه خراسانی	۲. گردان‌های غضب	۳. تیپ یوم‌القائم
۴. گردان‌های سید الشهداء	۵. گردان‌های دفاع مقدس	۶. حزب‌الله السائرون
۷. گردان‌های امام علی (ع)	۸. گردان‌های روح‌الله	۹. تیپ منتظر
۱۰. جنبش نجیاء	۱۱. گردان‌های آزادگان عراق	۱۲. تیپ یوم‌الموعود
۱۳. حزب‌الله؛ مجاهدین در عراق	۱۴. گردان‌های جریان ناجی	۱۵. تیپ ابوفاضل
۱۶. گردان‌های شهید الاول	۱۷. تیپ مبارزان عباس	۱۸. سپاه وعده صادق
۱۹. سپاه عاشورا	۲۰. تیپ علی اکبر	۲۱. گردان‌های امام حسین (ع)
۲۲. گردان‌های انصار العقیده	۲۳. تیپ مرتضی‌الکرار	۲۴. گردان‌های امام غائب
۲۵. سپاه جهاد	۲۶. گردان‌های انصار الحجه	۲۷. قوای شهید صدر

● توضیحات موجود براساس دعاوی خود گروه‌هاست (آزاد، ۱۳۹۵: ۶۴ - ۴۰ با تلخیص و تصرف)

توضیحات جدول:

- این گروه شاخه نظامی حزب الطلیعه الاسلامی است.
- گردان‌های غضب توسط الحاج عبدالکریم العنزی دبیر کل سازمان داخلی حزب الدعوة تأسیس شد.
- لواء یوم‌القائم به کتائب الموت الاستشهادی معروف است.
- این گروه از گردان‌های حزب‌الله عراق در بصره منشعب شده و اساساً برای جهاد در سوریه شکل گرفته است. گردان‌های سید الشهداء نیز در زمره گروه‌های شعبه تابع ولایت فقیه است.
- گردان‌های دفاع مقدس توسط ابواسدالله العبودی تأسیس شده که تحت حمایت نوری المالکی قرار دارد.
- حزب‌الله السائرون گروه دیگری است که همسو با حزب‌الله لبنان بوده و رحمن الجزایری دبیر کل آن است.
- کتائب امام علی (ع) توسط حاج شبل ازیدی بنیان گذاشته شده که دارای رابطه نزدیکی با ابومهدی مهندس است.
- الشیخ أبوطالب المیاحی مؤسس کتائب روح‌الله است و خود را تابع ولایت فقیه می‌داند.
- تیپ منتظر به جندالمرجعه هم مشهور است و توسط سید داغر الموسوی بنیان گذاشته شده که مشاور جلال طالبانی بوده و نزدیک به مجلس اعلا است.
- شیخ اکرم الکعبی، مؤسس حرکه النجباء است که پیش از این در جیش المهدی بوده و پس از آن به عصائب اهل الحق پیوسته است.
- کتائب الاحرار توسط شیخ عباس المالکی تأسیس شده و با کتائب روح‌الله همکاری نزدیک دارد.
- تیپ یوم‌الموعود شاخه جیش المهدی محسوب می‌شود که فعالیت دوباره خود را بعد از اشغال تکریت آغاز کرده است.
- حزب‌الله المجاهدین للعراق توسط عباس المحمدای تأسیس شده است.
- کتائب تیار الناجی توسط عدنان الشمری سازماندهی شده او پیش از این عضو جیش المهدی بوده و از سوی ائتلاف قانون در پارلمان نیز نماینده بوده است.
- این گروه در مسجد العباس کربلا اعلام وجود کرده و گفته می‌شود نزدیک به تیپ ابوالفضل العباس است.
- مؤسس این گروه واثق الفردوسی است.

۱۷. فرقه العباس القتالیه: ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴ برای حفاظت از عتبات مقدسه در کربلا شکل گرفت.
۱۸. فیلک الوعد الصادق توسط الشیخ محمد حمزه التیمی تشکیل شده که دبیرکل حرکه المستفدین الاسلامیه است.
۱۹. سرایا العاشورا، گروهی است که گفته می شود توسط علی الموسوی، رهبری می شود.
۲۰. لواء علی الاکبر: روز سوم ژانویه ۲۰۱۵ براساس فتوای آیت الله سیستانی مستقیماً از سوی عتبه حسینی شکل گرفت.
۲۱. این گروه شاخه نظامی حرکه الرساله الاسلامیه است که از ولایت فقیه پیروی می کند.
۲۲. انصارالعقیده توسط شیخ جلال الدین صغیر عضو مجلس اعلای اسلامی عراق تأسیس شده و با سپاه عاشورا همکاری نزدیک دارد.
۲۳. لواء المرتضی وابسته به عتبه علوی در نجف است.
۲۴. از انشعابات گردان های حزب الله عراق است.
۲۵. سپاه جهاد شاخه نظامی حرکه الجهاد وبنا است که توسط حسن الساری، عضو پارلمان از فهرست مواطن شکل گرفته است.
۲۶. این گروه توسط شیخ محمد الغنانی به عنوان شاخه نظامی حزب الدعوه تأسیس شده است.
۲۷. قواه الشهید صدر گروهی است که گفته می شود توسط حزب الدعوه راه اندازی شده است.

۲-۳. نقش مرجعیت در شکل گیری مقاومت مردمی و حشد شعبی در عراق

هجمه گسترده داعش به خاک عراق در خرداد ۱۳۹۳ (ژوئن ۲۰۱۴)، علیرغم تبعات امنیتی و سیاسی، دستاوردهای مهمی را نیز به همراه داشت. قاعده «ایجاد امنیت توسط مردم برای مردم» به مولودی خوشنام با نام «حشد شعبی» منجر شد. در این میان نقش مرجعیت شیعی و آگاهی ایشان به زمان مناسب اعلام «وجوب جهاد کفایی» بسیار تعیین کننده بود. در همین زمینه، سید عمار حکیم، رهبر مجلس اعلای اسلامی عراق اظهار می دارد:

«آیت الله سیستانی تأثیر گسترده ای در گردهم آوردن جوانان براساس عقاید و آرمان های آنها در دفاع از دین، مقدسات و مذهب اشان داشته است و همین انگیزه ها به این نیروهای مردمی، توانی اعطا کرده که فراتر از نیروی تسلیحات در میدان جنگ است. این تسلیحات نیستند که در جنگ تعیین کننده هستند، چنان که ما شاهد آن هستیم که امریکا، پیشرفته ترین تسلیحات جهان را در اختیار دارد ولی نمی تواند در جنگ های مهمی مثل افغانستان، عراق و دیگر مناطقی که در آنها نقش داشته و دارد، پیروز شود... یکی از نقاط قوت عرصه امنیت عراق، وجود حشد شعبی و حضور



قهرمانانه آنها در مسیر جهاد در راه خداست». (تراز نیوز، ۱۳ دیماه ۱۳۹۵)

اگرچه آیت الله سیستانی به عنوان مرجع عالی قدر شیعیان در عراق هیچ منصب حکومتی ندارد، نمی توان ادعا کرد که وی به طور کلی از سیاست کنار کشیده است و هیچ کاری به امور سیاسی ندارد. البته این تصور که ایشان فراتر از حاکمیت است یا حاکمیت را رها کرده است نیز صدق نمی کند. میانجی گری ایشان در درگیری میان اشغالگران امریکایی با جریان صدر در سال ۲۰۰۴، اعلام فتوای دفاع در مقابل افراط گرایان و تروریست ها در عراق در سال های پس از ۲۰۱۴ و تلاش برای تدوین قوانین بر مبنای اصول اسلام و عدم مغایرت قوانین با اصول اسلامی از مصادیقی است که این نکته مهم را تأیید می کند.

آنچه مسلم است آنکه مرجعیت شیعی عراق و به ویژه آیت الله سیستانی، نقشی مهم و تاریخی را در تکوین حاکمیت فعلی و مشارکت مردم در روند سیاسی ایفا نمودند. به همین سان، ایشان به مثابه «سوپا اطمینان» و مدافع حقوق و منافع ملت عراق، پیوسته خواستار احقاق حقوق مشروع ملت بوده است.

مسلم است که پیشتر مرجعیت نقش بسیار بزرگی را در عدم سوق یابی کامل حکومت نوین شکل گرفته در عراق پس از سقوط صدام به سوی مبانی سکولاریسم و لیبرالیسم غربی ایفا کرد. همچنین، با قدرت، مردم را به صحنه سیاسی آورد و مقدمات مشارکت همگانی را با قاعده «هر عراقی، یک رأی» فراهم کرد؛ به گونه ای که نقشه های امریکایی ها را برای اداره عراق، نقش بر آب کرد. (افشون، ۱۳۹۴: ۵)

در جریان تشکیل حشد شعبی، نیز صدور فتوای جهاد کفایی از سوی مرجعیت، علاوه بر اینکه، عظمت را به حوزه نجف اشرف بازگرداند، سبب منزلت بخشیدن به علما و مراجع و اعطای جایگاه فرماندهی جهادی و میدانی ملت عراق در مواقع بحرانی شد. این موضوع به حدی بدیهی است که از این پس، علما و مراجع طراز اول عراق، نمی توانند از مسئولیت و نقش عظیم خود در

موارد تهدید کشور، شانه خالی کنند.

در واقع فتوای مرجعیت نشان داد که نجف اشرف به همه ملت عراق، نگاه یکسانی دارند، و هیچ تفاوتی میان طوایف و بافت‌های آن نمی‌گذارند و فارغ از مسائل قومی، نژادی و مذهبی و در جهت مصالح ملی عراق حرکت می‌کند. مرجعیت در عراق بار دیگر همانند سال‌های دهه ۱۹۲۰م (که مبارزه با استعمار و جبهه همت مرجعیت آن زمان بود) نشان داد که «جدایی دین از سیاست» امکان‌پذیر نیست. (عدنان عزیز، ۲۰۱۶: ۶۸)

با توجه به این اوصاف، جایگاه آیت‌الله سیستانی در جامعه ناشی از چند عامل مشخص است که عبارت‌اند از: جایگاه حوزه علمیه نجف در عراق، به رسمیت شناخته شدن اعلمیت فقهی آیت‌الله سیستانی، و موضع‌گیری‌های مردم‌سالارانه ایشان در روند تحولات این کشور، مواضع اسلامی و مردم‌سالارانه ایشان که با پشتیبانی و رضایت نسبی تمام اقوام و پیروان مذاهب مختلف طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۳ همراه شد، و ایشان را به الگویی بی‌بدیل تبدیل ساخت و همچنین اشغالگران را وادار ساخت تا در انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی، پیشنهادهای ایشان را دخیل نمایند (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۲).

۳-۳. اصول و ارزش‌های حاکم بر حشد شعبی

هر نهضتی می‌تواند ضمن برقراری ارتباط با جنبش‌ها، نهضت‌ها و جریان‌های مذهبی موجود، در راستای همگرایی با آنها گام بردارد و از مجموع آنها یک جبهه به وجود آورد. در این فرایند، جبهه می‌تواند به قدرتی تبدیل شود که از منافع و اهداف ارزشی خود در سطح منطقه صیانت کند. برای مثال، محور مقاومت که در منطقه خاورمیانه شکل گرفته، واکنشی به تهدیدهای مشترک است و در واقع برای مقابله با دشمن مشترک شکل گرفته است.

انسان‌ها به طور ذاتی دوستدار آزادی، عدالت، حرمت و کرامت هستند و هر عاملی که به این ارزش‌ها خدشه وارد کند، با واکنش و خیزش فطری مواجه



خواهد شد. در این خصوص اسلام برای چگونه رفتار کردن با ملت‌ها و دولت‌های دیگر اصولی وضع کرده که از قرآن و سنت اخذ شده است. این اصول که همان سیاست خارجی اسلام هستند، مفاهیمی همچون ظلم‌ستیزی، نفی سبیل، عدم سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، وفای به عهد و پیمان، حفظ عزت و کرامت، دعوت و جهاد را دربرمی‌گیرند. از متن این اصول می‌توان مبانی اندیشه و رفتار حشد شعبی در چارچوب دیپلماسی نهضتی را استخراج کرد:^۱

(الف) اصل ظلم‌ستیزی و نفی سبیل: این امر مسلمانان و به خصوص شیعیان را که بر اصل نفی سبیل^۲ به معنای نپذیرفتن استکبار و سلطه کافران تأکید دارند، بر آن می‌دارد که هرگز سلطه و استکبار کافران را بر خود نپذیرند و در مقابل آن ایستادگی کنند. به این ترتیب ظلم‌ستیزی و عدم‌پذیرش استکبار و استعمار یکی از ریشه‌های دیپلماسی نهضتی محسوب می‌شود و وعده پیروزی مظلوم بر ظالم و حق علیه باطل را پشتوانه خود قرار می‌دهد.

(ب) اصل عدالت‌خواهی: امروزه به دلیل فقدان عدالت و مساوات در جوه مختلف نظام بین‌الملل، صلح و امنیت رخت بر بسته است. در چنین وضعیتی اسلام به عنوان یک مکتب جامع، در مقام تعریف الگوی رفتاری در عرصه خارجی بر اصلی متفاوت تأکید دارد که بنیاد آن را «مساوات حکمی» شکل می‌دهد. منظور از مساوات حکمی جریان یافتن قواعد بین‌المللی برای بازیگران مسلمان و غیرمسلمان به شکل واحد است. (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۱۰). اگرچه دولت‌های اسلامی که به عنوان بازیگر و عضو رسمی جامعه بین‌الملل وجود دارند، برای رفع این معضل اقدامات زیادی انجام داده‌اند، اما تاکنون نتیجه مطلوبی نگرفته‌اند؛ زیرا این دولت‌ها در مقابله با بی‌عدالتی‌ها صرفاً براساس منافع ملی خود عمل

۱. این قسمت با تلخیص و تصرف از منبع ذیل اخذ شده است:

- شعیب بهمن و علی کاظم خانلو، «دیپلاسی بر دیپلماسی نهضتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۶۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۷۸ - ۷۵.

۲. چنان که در قرآن کریم آمده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱).

کرده‌اند؛ در حالی که جنبش‌ها و نهضت‌های اصیل اسلامی، حمایت از سایر مسلمانان فراتر از مرزهای ملی خود را نیز مد نظر دارند.

(ج) اصل عزت و کرامت: انسان جدا از هر گونه رنگ و زبان، دین و آیینی دارای عزت و کرامت است. در این بین اسلام تأکید زیادی بر حفظ عزت و کرامت انسانی دارد و مطابق آن، مسلمانان باید در روابط با دیگران مدافع عزت و کرامت خود و سایر انسان‌ها باشند. بر این اساس با توجه به آنکه کمال و سعادت انسان هدف نهایی اسلام است، کرامت انسانی به عنوان یکی از ارکان نظریه رویکرد اسلامی به صلح و امنیت، مطرح است؛ به این معنا که نحوه مناسبات بین‌المللی و الگوهای امنیتی نباید به گونه‌ای باشد که عزت و کرامت انسانی به مخاطره افتد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۲۴).

(د) اصل دعوت: دعوت به معنای ترغیب مخاطب به اصول و ارزش‌های مد نظر از طریق اقناع است. در حکومت پیامبر اکرم (ص) به قصد دعوت به اسلام، سفیرانی به کشورهای حبشه، ایران و روم فرستاده شدند. علاوه بر این، افرادی که آموزه‌های اسلام را بهتر فهمیده بودند، به مناطق همجوار اعزام می‌شدند تا مردم را به اسلام ترغیب کنند. دعوت ملت‌ها و جوامع دیگر به رو آوردن و پذیرش ارزش‌ها و تعالیم اسلام، یکی از وظایفی است که مسلمانان باید انجام دهند.

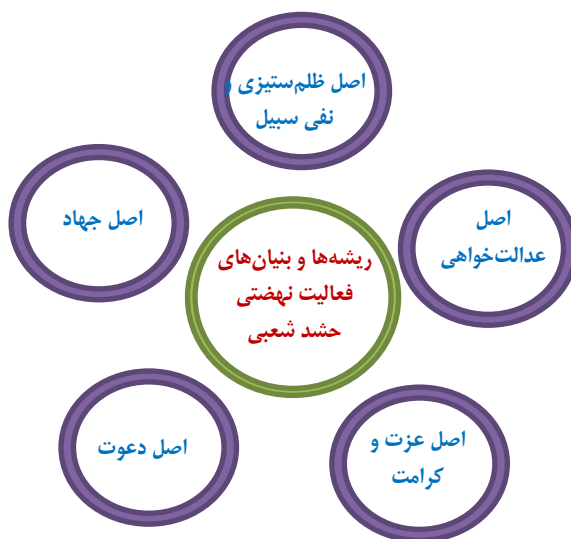
(ه) اصل جهاد: اگرچه معمولاً مفهوم جهاد به منزله مبارزه فیزیکی تلقی می‌شود، اما دارای ابعاد مختلفی است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «جهاد بر چهارپایه استوار است: امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در هر حال و دشمنی با فاسقان» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱). در واقع جهاد اسلامی، وسعتی به‌اندازه تمام نیت خوب و انسانی دارد که از تلاش برای ابراز ناراحتی از یک عمل زشت و ناحق تا حضور در جبهه جنگ علیه ظالمان و ستمگران را شامل می‌شود.

جهاد یکی از فروع مهم دینی به شمار می‌رود و در آیات بسیاری از قرآن کریم بدان اشاره شده است. مانند: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ» (بقره، آیه ۲۱۶).



در آیات بسیار دیگری به اصل جهاد و مجاهدان در راه خدا اشاره دارد و اجر و مرتبت والای ایشان را گوشزد می‌کند و مؤمنان را به حضور در میادین جنگ تشویق می‌کند: مانند: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، آیه ۱۶۹) یا دستور خداوند بر تشویق مؤمنین به مبارزه مانند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (انفال، آیه ۱۶) یا فضیلت بالای مجاهدان در راه خدا مثل: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً» (نساء، آیه ۹۵)؛ یا مؤمن مهاجر مجاهد را دارای برترین درجه نزد خدا شمردن مثل: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ» (توبه، آیه ۲۰) و آیات بسیار دیگری که درباره جهاد در قرآن کریم آمده است. جهاد یکی از اصول مسلم اسلامی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد.





۴-۳. بسیج و بسیجی از منظر قرآن

صریح‌ترین آیه مبارکه قرآن کریم در باب آمادگی دفاعی بسیج به لحاظ عملکرد را می‌توان در آیه ۶۰ سوره انفال معرفی کرد. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَغْلُمُونَ» (و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هرچه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آن‌ها را می‌شناسد، به وسیله آن بترسانید و در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می‌رسد و به شما ستم نخواهد شد).^۱

و از باب ماهیت بسیج و بسیجی: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (بعضی از مؤمنان مردانی هستند که بر هر چه با خدا عهد بستند وفا کردند، پس بعضی‌شان از دنیا



رفتند و بعضی دیگر منتظرند و هیچ چیز را تبدیل نکردند».^۱

کسی که اسلام و مبانی آن را به راستی باور دارد، همواره با تمام نیرو آماده انجام وظیفه در راه آن است. این ویژگی بسیجی است و در قرآن بهترین واژه‌ای که می‌تواند معادل بسیجیان باشد، «رَبِیُّون» است. قرآن می‌فرماید: «وَكَايْنِ مِّنْ نَّبِیٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ»؛ «چه بسا پیامبرانی که به همراهی آنان، مردان خداپرست بسیاری نبرد کردند». هنگامی که خداوند به پیامبران دستور جهاد داد، مردان بسیاری مخلصانه این ندا را اجابت کردند و در رکاب پیامبران با کفار و مشرکان جنگیدند.^۲

۵-۳. دستاوردهای حشد شعبی در حوزه محور مقاومت

بسیج مردمی عراق توانست با پیروزی‌های خود، نقشه‌های شوم دشمن برای تقسیم کشور را از بین ببرد و امروز به بازوی قدرتمند ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی تبدیل شده است. با توجه به تغییر یافتن حشد شعبی به بازیگری کلیدی در عرصه نظامی و امنیتی عراق در طول چند سال اخیر، تبلیغ و حفظ دستاورد این نیروها، از اهمیت خاصی برخوردار شده است. در این خصوص می‌توان به برخی عوامل و فاکتورهایی که در سهولت کسب دستاوردهای حشد شعبی تأثیر به سزایی داشته است، اشاره کرد. از جمله آنها عبارتند از: قدرت و انگیزه بالا برای مقابله با داعش و ایجاد امنیت در مقایسه با سایر نیروهای حاضر در صحنه نظامی-امنیتی عراق؛ تداوم احتمالی ناامنی و نقش گروه‌های منحرف شیعی و افراطی سنی در عراق و در نتیجه نیاز طولانی مدت به حشد شعبی؛ کسب تجارب و خبرگی تدریجی حشد شعبی؛ پایه‌ها و حمایت‌های مردمی و عقیدتی از حشد شعبی؛ پیوندها و تعاملات سیاسی حشد شعبی با سایر نیروهای سیاسی عراق؛ پیوند حشد شعبی با شبکه نیروهای مقاومت اسلامی در منطقه.

با توجه به اوصاف یاد شده، مسلم است که حشد شعبی با تمرکز بر «امنیت

۱. سوره احزاب آیه ۲۳

۲. سوره آل عمران (۳)، ۱۴۶.



مردم پایه» دستاوردهای بسیاری در مقایسه با سایر نیروهای به اصطلاح «در حال مبارزه با تروریسم» حاضر در عراق کسب کرده است. این دستاوردها، مشابهت زیادی با پیروزی‌های سایر جریان‌ها و گروه‌های مقاومت یا همسو با مقاومت در راستای مبارزه با تروریسم، صهیونیسم و استعمار داشته است. از این رو، می‌توان عملکرد حشد شعبی را با عملکرد حزب‌الله در لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین اشغالی و انصارالله در یمن در یک چارچوب یادآوری کرد.

همچنین از آنجایی که نقش، اهمیت و جایگاه نهضت‌های آزادی‌بخش و به ویژه اسلامی در راستای عمق بخشی به گفتمان مقاومت بر کسی پوشیده نیست، بنابراین در چارچوب «دیپلماسی نهضتی»، فعالیت‌ها و دستاوردهای حشد شعبی قابل بررسی و ارزیابی است. براساس مبانی «دیپلماسی نهضتی»، قواعد آن نیز بر فعالیت‌های حشد شعبی در عراق حکم فرما بوده است.

در اینجا نگاهی کوتاه به برخی پیروزی‌ها و دستاوردهای حشد شعبی، موضوع را بیش از پیش روشن خواهد نمود:

براساس اعلام هیئت حشد شعبی، این سازمان نوپا که بنیان آن را «بسیج نیروهای مردمی» تشکیل می‌دهد، از بدو تشکیل تا آذر ۱۳۹۴، طی ۵۵۰ روز نبرد مستمر در دو عملیات بزرگ لبیک یا رسول‌الله (ص) ۱ و ۲، ۱۹ شهر و ۵۱ روستا به مساحت ۱۷۵۰۰ کیلومتر مربع را از کنترل داعش خارج کرد. این میزان، معادل یک سوم اراضی اشغال شده توسط داعش در عراق بود. محدوده یاد شده، شامل دو حوزه نفتی عجیل و علاس نیز بود که داعش معادل بیست هزار بشکه نفت از پنجاه هزار بشکه نفت استحصال روزانه خود را از آن استخراج می‌کرد و با احتساب قیمت فروش متغیر بین ۱۰ تا ۲۵ دلار برای هر بشکه، ماهانه بین ۶ تا ۲۱ میلیون دلار درآمد کسب می‌کرد. بنابراین حشد شعبی، در این مدت موفق به قطع تقریباً نیمی از درآمد نفتی داعش شده بود.

حشد شعبی همچنین تا اسفند ۱۳۹۴، طی عملیات امام هادی (ع) نیز مساحتی



معادل پنج هزار کیلومتر مربع از اراضی صلاح‌الدین و ثرثار را از سیطره داعش خارج کرد که ۶۴ منطقه راهبردی شامل سه انبار بزرگ مهمات ارتش عراق در محدوده آن قرار داشت؛ در نتیجه، می‌توان گفت که حشد شعبی توانست راه ارتباطی داعش در بین دو استان نینوا و صلاح‌الدین را قطع کند. (آزاد، ۱۳۹۵: ۸۴)

همچنین در جریان عملیات‌های بزرگ جرف‌الصحر [جرف النصر]، آمرلی، فلوجه و آزادسازی موصل حشد شعبی، نقش بی‌بدیلی را در امنیت‌آفرینی برای جامعه و حاکمیت عراق ایفا کرده است. همین دستاوردهای عظیم، سبب شده تا برخی بازیگران دخیل عراق (اعم از داخلی و خارجی)، عملکرد و فعالیت‌های این «جریان مردم پایه» را به زیان خود ارزیابی کنند^۱ که در ادامه در چارچوب چالش‌های حشد شعبی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

البته دستاوردهای حشد شعبی صرفاً به امور نظامی - امنیتی محدود نمی‌شود بلکه می‌تواند در امور فرهنگی - اجتماعی، نوعی وحدت کلمه را میان طیف‌های مختلف جامعه عراق در راستای پیشرفت و توسعه اقتصادی نیز ایجاد نماید که سیاست‌گذاری سیاستمداران و دولتمردان عراقی در این زمینه، نیاز و ضرورتی انکارناپذیر است. از این رو، حشد شعبی در شرایط کنونی و آینده عراق با توجه به جایگاه مردمی و قانونی خود می‌تواند نقش‌های دیگری را نیز ایفا نماید و در قالب‌های دیگری نقش‌آفرینی کند:

الف) نقش حشد شعبی در حل و فصل بحرانهای قومیتی محلی و ملی

پراکندگی‌های قومی، نژادی، زبانی، فرهنگی و مذهبی مختلفی که در سرزمین عراق از زمان‌های دور وجود داشته و دارد، و آمریکایی‌ها نیز با شتابزدگی و اشتباهات فاحش در تغییر نوع نظام سیاسی پس از سقوط صدام، به مثابه کاتالیزوری به

۱. برخی از رسانه‌های عراقی همسو با حشد شعبی، سیاستمداران و شخصیت‌های سیاسی مخالف حشد شعبی را «داعشی‌های سیاسی» می‌نامند. در همین راستا «شیخ اکرم الکعبی»، دبیرکل جنبش نجبا می‌گوید: «تصویب قانون حشد شعبی و الحاق آن به بدنه نظامی کشور فقط یک دسته از عراقی‌ها را ناراحت کرد و آن هم داعشیان سیاسی که می‌خواستند اوامر استکبار را در کشور اجرا نمایند».



تشدید شکاف‌های هویتی- قومیتی دامن زدند، همواره بهانه مناسبی برای سوءاستفاده بازیگران دخیل در عراق بوده است، بخصوص زمانی که حکومت مرکزی بنا به دلایلی آن قدرت و اقتدار لازم را ندارد، این مسئله تشدید می‌شود.

با اشغال عراق توسط آمریکا، این کشور از نظر نظامی، انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی، دچار مشکل اساسی شد؛ چرا که نهادهای نظامی و امنیتی باقی مانده از رژیم پیشین نه توان گذشته را داشتند و نه قابل اعتماد بودند حتی ارتش عراق از سوی آمریکایی‌ها در ابتدای اشغال منحل شد.

به همین دلیل، احزاب و جریان‌های افراطی- تکفیری و قومی تجزیه‌طلبانه، از این موقعیت بی‌ثبات و هرج و مرج گونه کشور، سوءاستفاده فراوانی کردند و با تحریک عقبه قومی - مذهبی خود در خارج از مرزهای عراق، مردم را دعوت به شورش و قیام مسلحانه کردند. غائله «خیام اعتراضات» پس از سال ۲۰۱۱ در مناطق سنی‌نشین و موضوع برگزاری همه‌پرسی اعلام استقلال کردستان عراق در مناطق کردنشین از آن جمله است. مقوله اخیر به سبب ورود به موقع حشد شعبی در مناطق مورد اختلاف نتوانست چالش زیادی را برای جامعه و حکومت مرکزی عراق ایجاد نماید.

ب) نقش حشد شعبی در سرکوب کودتاها و گروه‌های ضدامنیت

حشد شعبی علاوه بر سرکوب گروه‌های تجزیه‌طلب قومی و عناصر سلفی-تکفیری در مقابل حکومت مرکزی عراق، در آینده قادر است تا مأموریت‌های دیگری را در خصوص مبارزه با طرح‌های کودتا و براندازی، نیز داشته است.

ج) نقش حشد شعبی در عرصه سازندگی و اقدام در راستای آبادسازی ویرانی‌ها و زدودن خرابی‌ها

انجام عملیات‌های موفقیت‌آمیز مهندسی رزمی حشد شعبی در جنگ علیه داعش و جریان‌های تجزیه‌طلب قومی در عراق، می‌تواند این توان و انرژی را در دوره سازندگی و پایان جنگ در راه بازسازی کشور قرار دهد. با آنکه در عراق همچنان حفظ حشد شعبی در قالب دفاعی اهمیت بیشتری دارد لیکن در شرایط





پسا داعش، ضرورت دارد تا بخشی از توان حشد شعبی وارد عرصه سازندگی شود تا این نهاد مردمی از راه دیگری به جهاد خود ادامه دهد و بر انجام اقدامات در سطوح متعدد ذیل متمرکز شود:

- ✓ پروژه‌های عظیم سدسازی
- ✓ پروژه‌های کشاورزی و معیشتی
- ✓ راه‌سازی
- ✓ خطوط انتقال آب، گاز و فاضلاب
- ✓ سازه‌های دریایی

(د) فعالیت‌های فرهنگی حشد شعبی

از آنجایی که فعالیت‌ها و مأموریت‌های حشد شعبی در چارچوب قانون تعریف شده است، و با روی کار آمدن دولت‌های بعدی در عراق می‌توان دایره شمول این فعالیت‌ها را گسترش داد، فعالیت‌های فرهنگی نیز می‌تواند جزو مأموریت‌های آن باشد. به هر حال یکی از تهدیدات آینده در عراق، تهدیدات فرهنگی است که در حال حاضر ملموس است.

اهم اقدامات فرهنگی حشد شعبی می‌توانند شامل طیفی از این موضوعات باشند:

- ✓ مقابله با فعالیت‌های فرهنگی گروه‌های منحرف (حتی شیعی) که برای کم‌رنگ کردن ارزش‌های دینی و انسانی در ذهن جوانان و جذب آنها انجام می‌گیرد.

- ✓ مقابله با عملیات روانی که گروه‌ها و جریان‌های انحرافی سیاسی- فرهنگی در سطح کشور انجام می‌دهند.

- ✓ دفاع فرهنگی از علما و مراجع به مثابه محل رجوع مردم و نخبگان سیاسی در بزرگراه‌های حساس

- ✓ حضور فرهنگی در مناطق محروم عراق کشور
- ✓ توسعه و تقویت وحدت و انسجام داخلی در سطح کشور



۳-۶. چالش‌های حشد شعبی

نیروهای متبوع حشد شعبی، با برخی چالش‌ها و موانع نیز در آینده روبرو خواهند بود که عمده‌ترین آنها عبارتند از: مخالفت و احساس نگرانی برخی گروه‌های سیاسی سنی مانند اکراد و سنی‌ها از حشد شعبی؛ مخالفت آمریکا و کشورهای عربی با افزایش نقش حشد شعبی؛ تعارضات ساختاری حشد شعبی با نیروهای نظامی و امنیتی رسمی عراق؛ مشکلات ساختاری و چنددستگی درونی حشد شعبی؛ تداوم مشکلات تسلیح و مالی حشد شعبی؛ ناهمگونی نیروهای حشد شعبی به لحاظ سطح و میزان کارایی نظامی؛ مبهم بودن وضعیت قانونی و حقوقی حشد شعبی در عراق.

به عبارت بهتر، عوامل متعددی در راستای تضعیف یا کاهش نقش حشد شعبی وجود دارند که اهم آنها را می‌توان به صورت خلاصه، در موارد ذیل مورد اشاره و دسته‌بندی قرار داد:

الف) ایالات متحده آمریکا و پروژه ضد حزب الله سازی در عراق

آنچه مسلم است آنکه ایالات متحده آمریکا به مثابه مدعی «مبارزه با تروریسم»، همواره در عراق و منطقه غرب آسیا، نقشی دوپهلوی و دوگانه داشته و ضمن تقویت تروریست‌های سلفی - تکفیری، مدعی مبارزه با آنها نیز بوده است. از این رو می‌توان گفت که استراتژی این بازیگر، «استمرار منازعه» معطوف به مدیریت بحران بوده است.

بر این اساس، در خصوص حشد شعبی، سیاست این کشور در راستای تقابل با «نقش و نفوذ محور مقاومت» قرار گرفته و به شدت در پی کنترل، نظارت و محدودسازی نقش حشد شعبی در عراق است. با این اوصاف، باید گفت که از لحاظ ماهیت و عملکرد، حشد شعبی به مثابه بازوی محور مقاومت در عراق، اساساً یک ساختار متعارض با منافع ایالات متحده به شمار می‌آید و طبیعتاً در جایگاه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، نقش‌آفرینی می‌نماید، از این رو،



امریکایی‌ها آن را دشمن و تهدید فرض می‌کنند و براین باورند که این تشکل در آینده، منافع و امنیت امریکا و رژیم صهیونیستی را تهدید می‌نماید.

ایالات متحده آمریکا تاکنون از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به حشد شعبی در عراق فروگذار نکرده است. به عنوان نمونه در جریان عملیات آزادسازی شهر الرمادی، واشنگتن ارائه کمک به دولت بغداد در نبرد با داعش را به عدم مشارکت حشد شعبی در این عملیات، منوط کرد. این در حالی است که مواضع حشد شعبی بارها مورد هجوم جنگنده‌های ارتش آمریکا قرار گرفته است. از همین روی، پر واضح است که آمریکایی‌ها که در واقع، از عوامل اصلی پیدایش و گسترش داعش هستند، از مشروعیت و محبوبیت حشد شعبی و تصویب قانون به سود آن ناراضی بوده و آن را نوعی شکست برای خود تلقی می‌کنند.

با توجه به شواهد و قرائن موجود، اکنون ایالات متحده امریکا، سیاست‌های خود را در قبال حشد شعبی طراحی کرده و در صدد اجرایی نمودن آن است، نتیجه این سیاست‌ها، سوق یافتن کاخ سفید و پنتاگون به سمت برقراری موازنه بین نیروهای سنی، کرد و شیعه و در صورت امکان تغییرموازنه به زیان شیعیان است. همچنین جدایی و انفکاک میان حکومت عراق و محور مقاومت در دستور کار آنها قرار دارد.

در این راستا، علاوه بر طرح سناتور «توربنری» مبنی بر گذاشتن قیودی در اختصاص بودجه نظامی-آموزشی به شیعیان و اختصاص بی قید و شرط آن به نیروهای پیشمرگه و عرب سنی، از ۱۷ مرداد ۱۳۹۳ تا ۳۰ فروردین ۱۳۹۵، نیروهای ائتلاف به اصطلاح ضد داعش، ذیل مدیریت فرماندهی مرکزی وزارت دفاع امریکا در چهار پایگاه مشترک و دو پایگاه ویژه در بغداد، یک پایگاه در اربیل، یک پایگاه در الانبار (الاسد) و اردوگاه‌های تاجی و بسمایا، ۲۰۲۱۵ نفر از نیروهای عراق (عرب سنی و کرد) را آموزش داده بودند و ۳۸۷۲ نفر دیگر را تحت آموزش خود داشتند. (آزاد به نقل از: خبرگزاری ایلاف، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵، با تلخیص و تصرف)



به نظر می‌رسد در این راستا مسئولان و نهادهای امریکایی تلاش خواهند کرد تا ضمن نفوذ در حشد شعبی و جذب برخی افراد، بر فعالیت و عملکرد این تشکل، مستقیماً نظارت کرده و نفوذ خود را گسترش دهند. البته با توجه به در پیش گرفتن سیاست موازنه‌سازی در پی ایجاد ساز و کارهای موازی با حشد شعبی در جریان‌های عرب سنی و کردی، نیز خواهند رفت. تلاش در راستای تصویب قانون گارد ملی یکی از این محورهاست.

به هر حال، یکی از چالش‌های حشد شعبی تلاش برای مهار قانونی این ساختار از منظر آمریکایی‌ها، بوده است. جریان سیاسی سنی یک روز بعد از اعلام تشکیل هیئت حشد شعبی خواستار تصویب قانون گارد ملی در پارلمان شد. سنی‌ها با برگزاری یک کنفرانس در اربیل خواستار تسلیح عشایر سنی به جای تسلیح حشد شعبی و تشکیل نیروهای دفاعی سنی ذیل قانون «گارد ملی» شدند.

نکته مهم آن که ایده گارد ملی برگرفته از الگوی گارد ملی در ایالات متحده و منطبق بر ترتیبات قانون اساسی عراق برای اجرای فدرالیسم است که برای اولین بار توسط برت مک‌گورک، نماینده دولت آمریکا در ائتلاف بین‌المللی ضد داعش مطرح شد. وی روز ۲۴ جولای ۲۰۱۴ در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا فدرالیسم کارکردی در عراق را به عنوان تنها راه غلبه بر داعش و خروج از بحران حاکم بر این کشور معرفی کرده بود. (الیوم السابع، ۲۰۱۴)

(ب) چالش‌های ساختاری - حقوقی

قانون حشد شعبی یا به اصطلاح بسیج مردمی علیرغم اینکه دستاوردی بزرگ به شمار می‌رود لیکن احتمال اینکه در آینده چالش‌هایی را ایجاد نماید، بسیار است. از این رو بررسی این دو جنبه به صورت همزمان در این جا ضروری است. بدیهی است که در نگاه اول تصویب این قانون فرصتی بی‌نظیر به شمار می‌رود. قانون حشد شعبی با استناد به بند اول از ماده ۶۱ و بند سوم از ماده ۷۳ قانون اساسی عراق در اواسط پاییز ۱۳۹۵ به تصویب پارلمان عراق رسیده و در واقع





دستاورد عظیمی برای جامعه عراق به شمار می‌رود. به هر حال، مرجعیت شیعی در صدد بود تا در مرحله زمانی پساداعش (و به ویژه پس از فتح موصل) به شکل حشد شعبی، صبغه‌ای قانونی نیز ببخشد.

دکتر «علی رمضان الاوسی»، مدیر مرکز مطالعات جنوب عراق در مصاحبه‌ای به تشریح تأثیرات تصویب قانون عراق در قانونی شدن حشد شعبی پرداخته و می‌گوید: «... از همان زمانی که حشد شعبی تشکیل شد همواره این موضوع مطرح بود که چگونه آینده افراد و خانواده‌های کسانی که به عضویت این نیروها در می‌آیند تضمین شود». (خبرگزاری تسنیم، ۱۰ دی ماه ۱۳۹۵)

اما مشکل و چالش عمده اصلی این قانون، به بحث دولتی شدن یا به تعبیر دیگر، تبعیت این نیروها از شخص نخست‌وزیری یا فرماندهی کل نیروهای مسلح برمی‌گردد. به موجب این قانون، همه دستورات در همه زمینه‌ها، به نخست‌وزیر محول شده است. سؤال جدی این است که اگر نخست‌وزیر در آینده، فردی سکولار یا بعثی بود، تکلیف چه خواهد شد؟ و سؤال دیگر آنکه، مرجعیت که مهم‌ترین نقش را در تشکیل این نیرو داشت، در آینده، چه جایگاهی در این تشکل خواهد داشت؟

موضوع مهم‌تر، حق تصمیم‌گیری و جابه‌جایی نیرو است که بایستی با هماهنگی نهادهای نظامی، امنیتی (وزارت دفاع) و تحت اشراف نخست‌وزیر باشد؛ به گونه‌ای که نخست‌وزیران بعدی می‌توانند مصوبات نخست‌وزیران قبلی را ملغی نمایند. علیرغم اینکه در سپتامبر ۲۰۱۵، حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق اعلام کرد که گروه‌های حشد شعبی بخشی از نیروهای حکومتی هستند.

در حال حاضر نیز برخی نخبگان سیاسی عراق با «اتخاذ سیاست دوری از محاور»، نسبت به نقش فراسرزمینی نیروهای حشد شعبی ملاحظات جدی دارند. در همین راستا، العبادی، نخست‌وزیر پیشین در کنفرانسی مطبوعاتی در بغداد گفت: «اگر برخی از نیروهای مسلح عراقی در سوریه می‌جنگند، این نشان‌دهنده موضع



دولت و سیاست عراق نیست. ما از نیروهای حشد شعبی می‌خواهیم به قانون، حاکمیت عراق و کشورهای همجوار احترام گذاشته و در امور دیگر کشورها مداخله نکنند. ما نمی‌خواهیم در درگیری‌های منطقه‌ای دیگری غرق شویم بلکه ما در عراق تلاش کردیم تا از درگیری منطقه‌ای و طایفه‌ای دور باشیم و با تمامی کسانی که علیه تروریسم می‌جنگند، همکاری کنیم»^۱ (خبرگزاری ایسنا، ۸ دی ماه ۱۳۹۵)

(ج) بازیگران داخلی دخیل (اکراد و اعراب سنی)

اکراد و اعراب سنی به ویژه طیف پارتی به رهبری بارزانی و برادران النجیفی و همچنین بعثی‌ها و سکولارهای عراق، در واقع فعالیت و عملکرد حشد شعبی را به زیان خود ارزیابی می‌کنند؛ به گونه‌ای که در رسانه‌های خود، همسو با دولتمردان سعودی و قطری، آن را «حشد شیعی» می‌نامند.

بخشی از اهل سنت عراق، که سهمی در تشکل حشد شعبی ندارند و از آنجایی که نمی‌توانند در چارچوب موازین حقوقی-قانونی نیز خلأ سهم خود را از حشد شعبی پر نمایند، همواره در جهت ضدیت و چالش‌آفرینی حرکت کرده‌اند.

اکراد نیز حضور و فعالیت حشد شعبی را به ویژه در مناطقی که بر سر آن میان طیف‌های عمده عراق (اکراد، اهل سنت و شیعیان) اختلاف وجود دارد، مانعی برای رسیدن به اهداف خود ارزیابی می‌کنند و هم در جهت کارشکنی گام‌هایی برداشته‌اند. درگیری‌های آنها در مناطقی نظیر روستاهای بشیر و طوزخورماتو و همچنین مناطقی از کرکوک با حشد شعبی، مؤید این ادعاست.

۱. در واقع خطاب این‌گونه اظهارات به برخی شخصیت‌ها و رهبران حشد شعبی بود که برای مبارزه با تروریسم و به ویژه داعش خارج از مرزهای عراق، اعلام آمادگی کرده بودند. در همین زمینه، «ابومهدی المهندس»، نائب رئیس حشد شعبی عراق، که پیشتر در خصوص این موضوع اظهاراتی داشته بود، بار دیگر در اظهاراتی تأکید کرد که امیدواریم که نبردها در سوریه قبل از آزادسازی موصل به پایان برسد و گر نه نیاز است که ما به عنوان بسیج مردمی عراق وارد سوریه شویم. (منبع: خبرگزاری مهر، «ابومهدی المهندس: احتمال حضور حشد شعبی در سوریه وجود دارد»، سه‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۵ قابل دستیابی در سایت: <http://www.mehrnews.com/news/۳۸۶۷۹۱۰>)



(د) سایر بازیگران دخیل غیرهمسو

مشارکت حشد شعبی در اکثر عملیات‌های سرنوشت‌ساز، نگرانی شدید رسانه‌های سعودی و متحدان آنها را به دنبال داشته است، این رسانه‌ها با تکیه بر طرف‌های همسو با خود در داخل عراق، تخریب وجهه نیروهای داوطلب مردمی و ایجاد رعب و وحشت از این نیروها در میان افکار عمومی به ویژه اهل سنت را تشدید کرده‌اند و به دروغ القا می‌کنند که این نیروها طایفه‌ای هستند.

در راستای تخریب وجهه و ناکارآمد نشان دادن حشد شعبی، دولتمردان سعودی و برخی از کشورهای عرب همسو با آنها نظیر اردن و امارات متحده عربی نیز علاوه بر فعالیت‌های رسانه‌ای و عملیات روانی در جهت کاهش نقش و نفوذ حشد شعبی، از اظهارات رسانه‌ای و اقدامات عملی در این راستا، چیزی فروگذار نکرده‌اند.

اقدامات و اظهارات «ثامر السبهان»، سفیر سعودی در عراق گویای این وضعیت است. وی بارها، حشد شعبی را نیرویی ایرانی - و نه عراقی - (۱۹) خوانده بود. به دلیل دخالت‌های مکرر سفیر سعودی در امور داخلی عراق به ویژه مسائل مربوط به حشد شعبی، دولتمردان عراقی خواهان تغییر وی شدند. (پایگاه خبری/تحلیلی انتخاب، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵) السبهان، در اظهاراتی حتی مدعی شد که شبه نظامیان شیعه برای «ترور وی» با حمایت جمهوری اسلامی ایران، تلاش‌هایی داشته‌اند.

در همین راستا، «عادل الجبیر»، وزیر امور خارجه عربستان سعودی نیز نیروهای داوطلب عراق را یک شکل فرقه‌ای دانست که به فرمان ایران فعالیت می‌کند. الجبیر در نشست خبری مشترک با «ناصر جوده»، وزیر امور خارجه اردن در ریاض، مدعی شد: «حشد شعبی در آینده عراق یکپارچه جایی نخواهد داشت». (خبرگزاری ایسنا، ۷ شهریور ۱۳۹۵)

آنچه مسلم است اینکه با توجه به تضاد ماهیتی در نظام سیاسی سعودی و عراق در وضعیت فعلی، دولتمردان سعودی ضمن اینکه از ابزار خود ساخته و

موهومی با عنوان «تعمیش اهل سنت توسط حاکمیت عراق» سخن می‌رانند، آمریکایی‌ها را نیز در «دادن عراق در سینی طلایی» به جمهوری اسلامی ایران مقصر می‌دانند و اکنون حشد شعبی را بازوی جمهوری اسلامی ایران در عراق ارزیابی می‌کنند. (عادل محمد، ۲۰۱۵: ۲۱۸-۱۸۱)

اکنون نحوه خبرسازی درباره عراق از سوی رسانه‌های سعودی و تلاش برای القای مردمی نبودن نیروهای داوطلب مردمی و حتی ادعای این که این نیروها هیچ تعصب و دلبستگی به میهنشان ندارند، بیش از همه وحشت سعودی‌ها را از تأثیرگذار بودن نیروهای داوطلب مردمی و قریب‌الوقوع بودن پیروزی بر تروریست‌های تکفیری مورد حمایت آنها نشان می‌دهد.

خط خبری رسانه‌های سعودی نشان‌دهنده عزم حامیان اصلی تروریست‌های تکفیری در عراق برای شعله‌ور کردن آتش فتنه مذهبی میان ملت عراق و بدبین کردن اهل سنت و کرد به نیروهای جان‌برکف مردمی است که هر چند بیشتر آنها را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما در این نیروها، حتی از مردم اهل سنت و مسیحی هم حضور دارند.

۷-۳. کارنامه حشد شعبی در قیاس با کارنامه ائتلاف ضد داعش

ساختار ناتوان نظامی - امنیتی چینش شده از سوی اشغالگران پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، در واقع زمینه‌ساز اوضاع و شرایطی شد که ضمن اینکه دولت عراق را واجد خصلت ورشکستگی^۱ می‌نمود، حاکی از عدم اراده جدی نیروهای اشغالگر بیگانه برای پایان دادن به بحران‌های امنیتی عراق و مبارزه با تروریسم نیز بود. تأکید مسئولان و شخصیت‌های مختلف عراقی به استثنای معدودی از طرف‌های همسو با آل سعود بر اهمیت نقش نیروهای داوطلب مردمی در پاکسازی عراق از لوٲ تروریسم تکفیری، در حالی است که با وجود گذشت چندسال از تشکیل ائتلاف موسوم به ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به رهبری آمریکا، نگاهی به



کارنامه این ائتلاف، بی‌اساس بودن ادعای سردمداران این ائتلاف مبنی بر مبارزه با داعش، را اثبات می‌کند، زیرا یکی از مهم‌ترین ابهامات درباره این ائتلاف این بوده که از ابتدای تشکیل آن بسیاری از اعضای آن از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس خود از حامیان و تأمین‌کنندگان مالی داعش بودند و استمرار منازعه همچنان در دستور کار آنها قرار دارد.

در روزهای اول تشکیل این ائتلاف، کشورهای عضو آن از جمله وزیر خارجه وقت عربستان اعلام کرد که مبارزه با داعش ۱۰ سال به طول خواهد انجامید، این در حالی است که نیروهای عراقی از جمله نیروهای داوطلب مردمی در کمتر از دو سال تقریباً بیش از ۹۰ درصد اراضی تحت اشغال داعش را آزاد کردند. اعلام این برنامه ۱۰ ساله با توجه به عملکرد ائتلاف ضد داعش نشان می‌دهد که این ائتلاف قصد داشت با به دست گرفتن پرونده مبارزه با داعش و حملات نمایشی با به کارگیری ابزار داعش اهداف خود را در این مناطق محقق کند.

۸-۳. رویکردهای احتمالی دولت جدید نسبت به حشد شعبی

برخلاف العبادی، عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر کنونی عراق روز ۵ نوامبر ۲۰۱۸ در خلال دیدار از مقر هیئت حشد شعبی، این نهاد را دست آورد تاریخی عراق قلمداد کرد که باید حفظ شود. او در این رابطه چنین تصریح کرد:

«حشد شعبی یک حقیقت بزرگ است که نمی‌توان از آن عبور کرد. حشد شعبی یک نیروی تابع قانون و تحت امر فرماندهی کلّ قواست که حکومت موظف به حمایت از آن و حفظ موجودیت آن است. مشخص شد که فتوای جهاد کفایی مرجعیت عالی دینی تمام مناسبات را تغییر داد و حشد در ابعاد وجودی و ایمانی به معرکه وارد شد و به همه نیروهای مسلح کمک کرد تا معادله را از عقب‌نشینی و شکست به پیروزی تغییر دهند.»

(<http://www.pmo.iq/press2018/5-11-201803.htm>)

نخست‌وزیر عراق پس از ادای حمایت کلامی به مباحث مربوط به

سازوکارهای ارتقاء جایگاه حشد شعبی ورود پیدا کرد و درباره کاهش بودجه سخن گفت. عادل عبدالمهدی در این رابطه گفت:

«بودجه‌ها و از جمله بودجه حشدشعبی کاهش یافته و ما باید منابع جدیدی پیدا کنیم. همان‌گونه که یک بودجه عملیاتی یا سرمایه‌گذاری ممکن است مورد بازنگری قرار گیرد، ما برای یافتن منابع مالی به منظور حمایت از حشد شعبی و غلبه بر مشکلات تلاش خواهیم کرد، زیرا بقای حشد شعبی ضروری است. ما با تمام توان تلاش خواهیم کرد که حقوق کامل حشد شعبی را اعاده نماییم. اشاره می‌کنیم به شهدای حشد که تکریم آنان بر ما واجب است و نشان می‌دهد که ما راه درست را پیموده‌ایم و همه مشکلات را با همکاری حل خواهیم کرد.»

(<http://www.pmo.iq/press2018/05-11-201803.htm>)

تمجید عادل عبدالمهدی از حشد شعبی نشان‌دهنده رویکرد مثبت نخست‌وزیر جدید عراق نسبت به این نهاد و درک فرماندهی کل قوا از نقش کارآمد حشد شعبی در گذشته و لزوم حفظ و تقویت این نقش‌آفرینی در آینده است. هرچند برای قضاوت درباره انطباق قول و عمل نخست‌وزیر عراق باید صبر پیشه کرد. به هر حال به نظر می‌رسد دولت جدید کماکان تلاش خواهد کرد جایگاه حشد شعبی را به عنوان یک نیروی پشتیبان برای ارتش و پلیس حفظ کند و حتی شرایط انتقال مرکز ثقل بسیج مردمی به وزارت دفاع را فراهم آورد. شاهد این ادعا بخشی از وظایفی است که نخست‌وزیر جدید برای وزارت دفاع به شرح زیر پیش‌بینی کرده است:

«بررسی امکان آغاز اعمال تشجیع و تحریک عراقی‌های ۱۸ تا ۲۲ سال برای آموزش داوطلبانه در دفاع از امنیت داخلی و ملی کشور که شامل اقدامات مربوط به دفاع، حمایت، حفظ، ساخت و تهیه الزامات بسیج و توسعه مهارت‌های جوانان به طور کلی در زمانی است که کشور از ناحیه خطر داخلی و خارجی تهدید می‌شود. کار آموز یک دوره آموزش مناسب را طی خواهد کرد که مدت



آن بر اساس پایش مستمر، اقدام و کاهش هزینه‌ها تعیین خواهد شد. کارآموزان این دوره از برخی امتیازات غیر مالی نظیر تخفیف در هزینه‌های حمل و نقل عمومی، اعطای مدرک برجسته و برخی اولویت‌ها بدون تضییع حقوق دیگران بهره‌مند می‌شوند.» (المنهاج الوزاری، ۲۰۲۲-۲۰۱۸: ۱۵)

نتیجه‌گیری

هر یک از دولت‌های جهان براساس نظام‌ها و سیستم‌های امنیتی مختلف و بر طبق الگوهای استراتژیک موجود، استراتژی امنیت ملی خود را شکل می‌دهند. در یک نگرش کلان دو نوع استراتژی برای تأمین امنیت ملی کشورها وجود دارد. یکی تحت عنوان استراتژی ملی که در آن کشور اتخاذکننده این استراتژی برای تأمین امنیت ملی خود به ارکان داخلی و عناصر قدرت ملی خود متکی است. در این نوع استراتژی خود توسعه‌یافتگی نظامی، کفایت ملی و اثربخشی مؤلفه‌های قدرت ملی اجزاء اصلی امنیت را تشکیل می‌دهند. دومین استراتژی به استراتژی امنیت منطقه‌ای یا بین‌المللی معروف است و در آن چند کشور با ایجاد اشتراک منافع و بسط حوزه سرمایه‌گذاری‌های مشترک، قلمرو و امنیتی وسیعی را تشکیل می‌دهند و در نتیجه آن تهدید علیه منافع یک کشور به منزله تهدید علیه منافع سایر کشورها تلقی می‌گردد. در این استراتژی، یک زنجیره به هم پیوسته امنیتی از کشورهای مختلف تشکیل می‌شود که موجب پیوند منافع بین آنان و در نتیجه کاهش احتمال وقوع جنگ در میانشان می‌گردد. برای درک این موضوع که هر کشور براساس چه عواملی به گونه‌هایی از سیستم‌های امنیتی و یا استراتژی‌های مرتبط به امنیت ملی روی می‌آورد، ذکر این نکته ضروری است که برداشت و درک دولت‌ها و نظام‌های سیاسی مختلف از مفهوم و محتوای امنیت ملی با یکدیگر متفاوت است. تفسیر و تعبیر عملی دولت‌ها از مفهوم امنیت ملی به ماهیت سیاسی این نظام‌ها و فرهنگ حاکم بر آنان بستگی دارد.

مسلم است که اکنون حشد شعبی به عنوان یک نهاد مردمی- عقیدتی نوبنیاد،

که از دل تهدیدی به نام «تجاوز داعش به بخشی از خاک عراق» شکل گرفت، فرصتی بی نظیر در راستای موضوع امنیت سازی در عراق به شمار می رود و در واقع «تئوری وابستگی نظامی به قدرت های بزرگ در راستای ایجاد امنیت» را ابطال و چارچوب های طراحی شده در قالب موافقت نامه نظامی - امنیتی واشنگتن و بغداد را بی اعتبار می نماید، ضمن اینکه از یک سوی دیگر، باور «تکیه به سازمان های مردم نهاد امنیت ساز» را در میان دولت مردان و سیاست گذاران عراقی تقویت کرده است.

بنابراین در حال حاضر، حشد شعبی واقعی غیرقابل انکار در عرصه امنیت آفرینی عراق به شمار می رود که در این کشور، مخالفان و موافقانی دارد. مخالفانی که در صدد حذف، تضعیف یا کاهش نقش این نیروی مهم مردمی هستند و موافقانی که در راستای تقویت، تثبیت و افزایش نقش آن تلاش می کنند. نکته دیگر آنکه، شکل گیری حشد شعبی در عراق، بیش از هر موضوع دیگر، نقش مرجعیت شیعی (دینی) را در عراق در راستای بسیج مردم احیا و برجسته تر کرد؛ به گونه ای که هم جامعه و هم مردم به قدرت معنوی و نرم بی بدیل آن بیش از پیش پی بردند. البته از طرف دیگر، حوزه علمیه نجف نیز بار دیگر، بازیگر ایفای نقشی راهبردی در راستای رفع تهدیدات گردید. همان گونه که در سال های اولیه پس از سقوط صدام، با ایستادگی در مقابل طرح امریکایی ها، از عدم سوق یابی کامل عراق به دامن لیبرالیسم غربی جلوگیری کرد و به برخی از منازعات میان جریان های سیاسی شیعی نیز پایان داد.

از این رو، می توان ادعا کرد که یافته های تحقیق حاضر را می توان به صورت خلاصه وار بدین شرح بیان کرد:

- ✓ اتکا و اعتماد بیشتر به مردم در راستای امنیت سازی در میان دولت مردان عراقی
- ✓ ابطال نظریه های اتکا به قدرت های بزرگ برای امنیت سازی در منطقه و بی اعتباری موافقت نامه نظامی - امنیتی واشنگتن و بغداد



✓ بازیابی قدرت، نقش و نفوذ معنوی مرجعیت و حوزه نجف

✓ اجماع جامعه، حکومت و حوزه علمیه نجف بر سر موضوع شکل‌گیری و تقویت حشد شعبی

✓ افزایش اعتماد عمومی به مثابه سرمایه اجتماعی در میان «اهل سنت مورد تجاوز قرار گرفته از سوی داعش» نسبت به جامعه شیعی

✓ افزایش نقش «نیروهای رها از حاکمیت» در راستای کمک به حاکمیت عراق

بر این اساس، فرضیه اصلی این پژوهش در واقع با توجه به سؤال مطرح‌شده اثبات می‌گردد براین مبنا که تشکیل نیرویی با عنوان حشد شعبی در ایجاد امنیت مردم پایه بسیار تأثیرگذار بوده؛ تا جایی که توانسته است، ضمن پر کردن خلأ ناشی از ناکارآمدی ارتش، تهدیدهای اصلی را از جامعه و حکومت عراق دور نماید. به علاوه، باور به قدرت امنیت آفرین مردم را در سیاست‌گذاران عراقی افزایش داده است.

در واقع شکل‌گیری حشد شعبی را باید در چارچوب نگرش اول مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. می‌توان ادعا کرد که پیاده‌سازی «الگوی امنیتی مردم پایه» در عراق، حاکی از شکل‌گیری «قدرت دفاعی نوپایی» است که می‌تواند به سایر اضلاع محور مقاومت تسری یابد. از سوی دیگر نیروهای حشد شعبی توانسته‌اند تا در نزد افکار عمومی، وجهه‌ای مطلوب کسب کنند و برای سیاستمداران و سیاست‌گذاران عراقی موجد این درک گردند که تکیه بر اشغالگران، موجب امنیت نخواهد شد و بدین ترتیب وابستگی نظامی را امری منفور جلوه دهند.

بنابراین در تهدید هجوم داعش به خاک عراق و تصرف بخش‌هایی از جغرافیای این کشور، دوراندیشی و درایت مرجعیت نجف به فرصتی بی‌بدیل در ساختار نظامی-امنیتی عراق در راستای ایجاد امنیت مردم پایه تبدیل گردید. در نتیجه برای مهار وضعیت تهدیدآمیز داعش و جریان‌های تروریستی سلفی-تکفیری، نقشه راه مرجعیت در راستای «ایجاد امنیت مردم پایه» کارساز گردید و

به دنبال آن مولودی به نام حشد شعبی برای سامان دادن به اوضاع نابسامان شکل گرفت که چنانچه با جانب انصاف این موضوع را بررسی کنیم، خلأ کارآمدی نیروهای نظامی-امنیتی عراق را نه تنها پر نموده، بلکه خود توانسته‌اند با الگوگیری از بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران، به نیرویی ذاتی و پرتوان برای بازی در محور مقاومت، تبدیل گردد. همچنین باور اتکا به نیروهای مردمی را در ذهن دولتمردان عراقی رقم زده است.

در حال حاضر با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این تشکل عقیدتی-مردمی، حشد شعبی در عراق می‌تواند وزنه موازنه ساز در راستای منافع و مصالح محور مقاومت برای هر دولتی باشد که در عراق روی کار بیاید.

در بعد نظامی و امنیت‌آفرینی، بنابراین یک واقعیت غیرقابل انکار این است که حشد شعبی مولود بحران فزاینده امنیتی در عراق بود که سیستم ناکارآمد نظامی-امنیتی عراق از مهار آن ناتوان بود و شواهد عینی نشان می‌دهد که این سیستم کماکان ناکارآمد باقی مانده است. شواهد عینی متعددی این ادعا را تأیید می‌کنند که ارتش و پلیس عراق در مواقعی که به دلایل مختلف از همراهی و پشتیبانی حشد شعبی محروم بوده است به طور معتناهی ناکارآمدی سیستمی و ساختار چینی شده توسط آمریکایی‌ها را به نمایش گذاشته است.

در سطح منطقه‌ای نیز همه به کارآمدی و عملکرد مناسب آن معترفند ولی با نگرانی، حشد شعبی را شمشیر شیعہ و عراق می‌دانند. به هر حال، حشد شعبی قدرت عقیدتی بزرگی است. برای حفظ حشد شعبی، حشد شعبی باید به عنوان نیروی عراقی در مقابل دشمنان عراق (داخلی و خارجی) بایستد. همه قبول دارند که حشد شعبی یک نیروی عراقی خوب و توانمند است. در این شرایط بهتر است حشد شعبی وارد حوزه کنشگری اجتماعی نیز بشود و قدرتش را در حوزه نرم تقویت کند. از این رو ضرورت دارد تا ساختار این نهاد، همچنان منعطف و فراگیر بماند؛ به گونه‌ای که بتواند به سرعت در مقابل انواع مختلف بحرانها تغییر



شکل و تغییر ساختار دهد و همچنین فراتر از دایره تنگ قومی- مذهبی خاص به سرعت برای انجام مأموریت‌های متنوع دیگر آماده گردد. از این رو، براساس امکان توسعه سازمان و تغییرپذیری ساختار و ابعاد آن، حشد شعبی می‌تواند متناسب با ابعاد تهدیدات تغییر شکل و اندازه یابد.

براین اساس، به دلایل و عوامل مختلف، نقش حشد شعبی و مقاومت اسلامی در برابر نظام سلطه و صهیونیسم گسترش خواهد یافت و تقویت می‌گردد. مهم‌ترین این دلایل و عوامل عبارتند از:

- ✓ افزایش عملکرد جنایت‌آمیز نظام سلطه در جهان؛ به‌ویژه علیه جهان اسلام؛
- ✓ افزایش سطح آگاهی افکار عمومی جهانی و منطقه‌ای؛
- ✓ نفرت روزافزون مردمی نسبت به ماهیت و عملکرد نظام سلطه در جهان و به‌ویژه در جهان اسلام.
- ✓ گرایش و علایق فزاینده به مقاومت به سبب نتیجه‌بخش بودن و امنیت‌آفرینی؛
- ✓ گسترش روزافزون اضلاع محور مقاومت اسلامی و جهانی در برابر صهیونیسم بین‌الملل و نظام سلطه؛



منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «صلح و امنیت بین الملل؛ رویکردی اسلامی»، در کتاب: حسین پور، احمدی «اسلام و روابط بین الملل؛ چارچوب های نظری، موضوعی و تحلیلی»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- افشون، تورج، (۱۳۹۴)، «دین و عملانیت در ساختار حقوقی- حاکمیتی عراق»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، پیاپی ۶۲.
- المكتب الإعلامي لرئيس مجلس الوزراء، ۵ تشرين الثاني - ۲۰۱۸،
<http://www.pmo.iq/press۲۰۱۸/۵-۱۱-۲۰۱۸۰۳.htm>
- الوقت، «حشد شعبی- نیروی بسیجی عراق؛ چرا و چگونه شکل گرفت؟»، پنج شنبه ۵ آذر ۱۳۹۴، قابل دستیابی در سایت: <http://alwaght.com/fa/news/۲/۲۷۴>
- اليوم السابع، مؤتمر أربيل لمكافحة الإرهاب يطالب عشائر السنة بالتوحد لمجابهة داعش، ۲۰۱۴، قابل دستیابی در: <http://natega.innfrad.com/story/۲۰۱۴/۱۲/۱۹/>
- آزاد، امیرحامد، (آذر ۱۳۹۵)، «سایه روشن حشد شعبی»، تهران، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور، چ اول.
- آزاد، امیرحامد، (آذر ۱۳۹۷)، گزارش ویژه عراق، شماره ۶۴، مؤسسه اندیشه سازان نور.
- بلوچی، محمد، عزت الله عزتی و مجید ولی شریعت پناهی (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه سیاست گذاری های مواد مخدر با کارآمدی سیاست گذاری های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راستای ارتقای ژئوپلیتیک ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال هفتم، شماره ۳.
- بهمن، شعیب و علی کاظم خانلو، (پاییز ۱۳۹۴)، «دییاجه ای بر دیپلماسی نهضتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۶۳، پاییز ۱۳۹۴.
- پایگاه خبری - تحلیلی انتخاب، «واکنش ریاض به ادعای ایندیندنت»، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵، قابل دستیابی در: www.entekhab.ir/fa/news/۲۹۰۹۳۸
- تراز نیوز، گفت وگو با سید عمار حکیم، سه شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۵، به نقل از خبرگزاری مهر ۱۳ دیماه ۱۳۹۵ برابر با ۰۳January/۲۰۱۷ قابل دستیابی در سایت:
<http://www.taraznes.com/content/۱۲۰۰۳۲>
- تالشان، حسن (۱۳۸۵)، «بررسی نظری آثار و نتایج بر امنیت ملی»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۵۵.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و ابوالقاسم عارف نژاد (۱۳۹۰)، «نشانه شناسی گفتمان در اسلام سیاسی و مردم سالار آیت الله سیستانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره چهارم.



- خبرگزاری ایسنا، ۸ دی ماه ۱۳۹۵، به نقل از پایگاه اینترنتی روز نو، قابل دستیابی در:
<http://roozno.com/fa/news/۲۴۴۲۱۴>

- خبرگزاری تسنیم، ۱۰ دی ماه ۱۳۹۵، قابل دستیابی در: ژ
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۵/۰۵/۱۷/۱۱۴۷۰۱۲>

- خبرگزاری مهر، «ابومهدی المهندس: احتمال حضور حشد شعبی در سوریه وجود دارد» سه‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۵ قابل دستیابی در سایت: <http://www.mehrnews.com/news/۳۸۶۷۹۱۰>

- خبرگزاری ایسنا، «درخواست رسمی عراق برای تغییر سفیر عربستان در بغداد»، ۷ شهریور ۱۳۹۵، قابل دستیابی در: www.isna.ir/news/۹۵۰۶۰۱۰۴۴۷۴

- خبرگزاری ایلاف (بغداد)، «رفضنا تنسيقاً عسكرياً مع روسيا و إيران و سوريا»: قابل دستیابی در:
<http://elaph.com/web/news/۲۰۱۵/۱۰/۱۰,۴۳۶۳۰.html>

- روح‌الله‌زاده، احمد، جایگاه محور مقاومت در معادله رویارویی، قابل دستیابی در سایت:
<http://qodsna.com/fa/۳۰۲۷۴۸>

- عادل محمد، انور (۲۰۱۵) «العلاقات العراقية - السعودية، ارث الماضي و آفاق المستقبل»، بغداد، مرکز
 بلادی للدراسات، مجله دوریه ابحات استراتیجیه، العدد التاسع، ايار ۲۰۱۵.

- عدنان عزیز، احمد، «دور الحشد الشعبی فی تعزيز الوحدة الوطنیه»، بغداد: فصلیه فکریه حوار الفکر،
 السنه الحادیه عشر، العددان ۳۷-۳۶، رجب ۱۴۳۶ (نيسان ۲۰۱۶).

- عندلیب، علیرضا و شریف مطوف (۱۳۸۸)، «توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران»، فصلنامه
 باغ نظر، شماره ۱۲.

- مشرق نیوز، «امنیت مردم پایه»؛ مطلوب‌ترین الگو برای سیاست خارجی ایران در منطقه» (بخشی از
 سخنرانی دکتر سعدالله زارعی درسومین همایش بین‌المللی نظام بین‌الملل با عنوان «تحولات منطقه‌ای
 و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» برگزار شده در دانشکده حقوق دانشگاه علامه
 طباطبائی)، تاریخ انتشار: ۳ آذر ۱۳۹۵، قابل دستیابی در:

<https://www.mashregnews.ir/news/۶۵۸۳۰۷>